

## اطلاعیه خبری کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری

بروکسل چهارشنبه ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۴

امروز کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری تاسف عمیق و نگرانی خود را در قبال کوتاهی مقامات ایرانی پیرامون سفر ناظران بین المللی ابراز نمود. این اقدام از سفر ناظران بین المللی برای شرکت در دادگاه ۷ فعال کارگری که بنا است ۲۳ سپتامبر شروع شود، جلوگیری کرد. وکلای مدافع این فعالین نیز نگرانی خود را از اینکه دادگاه در غیاب ناظران بین المللی برگزار خواهد شد ابراز داشتند.

بنا بود محاکمه محمود صالحی، یکی از ۷ فعال کارگری که در پی دستگیری شان در برگزاری مراسم اول ماه امسال متهم شده اند در پی تشکیل اتحادیه های مستقل کارگری بوده اند، روز ۹ سپتامبر برگزار شود و محاکمه دیگر متهمان در روزهای بعدی.

دولت ایران خواسته های مکرر کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری ICFTU و اتحادیه های کارگری و سازمانهای حقوق بشر ایتالیایی، فلسطینی و سوئدی برای فرستادن ناظران به این دادگاه را بی جواب گذاشته است.

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری ICFTU با دقت روند کار دادگاه علیه فعالین کارگری را، که نقض آشکار التزامات ایران به متابع عضو سازمان جهانی کار در قبال قوانین این سازمان است را دنبال خواهد کرد.

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری ICFTU که ۱۴۸ میلیون کارگر را نمایندگی میکند، ۲۲۴ سازمان وابسته در ۱۵۲ کشور جهان دارد. این کنفدراسیون همچنین عضو اتحادیه های جهانی <http://www.global-unions.org>

برای اطلاعات بیشتر لطفا با بخش مطبوعاتی شماره های ۳۲۲۲۲۴ یا ۳۲۴۷۶۶۲۱۰۱۸ تماس بگیرید.

متن فوق توسط امور بین الملل کانون زندانیان سیاسی ایران(در تبعید) ترجمه و برای آگاهی عموم انتشار می یابد

## سال تحصیلی جدید مبارک باد!

جعفر پویه



سال تحصیلی جدید شروع شد. بیش از شانزده میلیون دختر و پسر به شوق آموختن، راهی مدارس می شوند. همکلاسیهای سال قبل، یکدیگر را می جویند و با همشاگردیهای جدید آشنا می شوند. فضای مدارس با ورود کودکان، نوجوانان و جوانان، مالا مال از شور و شوق است. فریاد شادی شیطنت آمیز دانش آموزان، فضای شهرها را سرشار از جنب و جوش می کند. اما عوامل حکومتی که با هر گونه شادی بیگانه اند، این همه را نیز برنخواهند تابید.

شمارگزمه های حکومتی در چهار راه ها، به چند برابر رسیده است و آنها چارچشمی کودکان و جوانان را تحت نظر دارند تا با کوچکترین حرکت آنان، حضور خشونت بار خود را یاد آوری کنند. لباس جوانان و نوجوانان، آرایش موهایشان، روپوش دخترکان و تار مویی از آنان، گناهدانی است که خیل عظیم پلیس و نیروهای امنیتی باید از سرزدن آن جلوگیری کنند. دوباره مدارس همچون پادگانی نظامی تحت نظر قرار خواهد گرفت و حکومت نظامی اعلام نشده ای هر روزه هنگام شروع و پایان ساعات درس برقرار می شود تا ماموران به ظاهر انتظامی، به جای تعقیب جنایتکاران و دارودسته های شرور مخل آسایش مردم، به کنترل جوانان و کودکان بپردازند و بجای مراقبت از آنان، برایشان مزاحمت ایجاد کنند.

همزمان با آغاز سال تحصیلی، پاسدار رویانیان، رییس مرکز فوریتهای پلیسی تهران می گوید، در اطراف برخی

دبیرستانها، ماموران پلیس مستقر شده و گشت زنی می کنند. این در حالی است که بیش از بیست و دو کودک در پاکدشت ورامین، امسال به مدرسه برنخواهند گشت، زیرا در منطقه تحت نظر همین نیروها، جنایت پیشگانی به شکار کودکان رفته اند و بدون پروا پس از تجاوز، آنانرا به قتل رسانده اند.

به جز فضای سنگین پلیسی در سطح شهر، کتابهای بی محتسوا، سختگیریهایی مذهبی حاکم بر مدارس، فضا را برای کودکان و

جوانان غیر مطبوع می کند. آموزگاران سرکوب شده، این زحمتکشان و خدمتگزاران بی مدعا، سالی دیگر، شاید به شوق دیدن بچه ها به مدرسه آمده اند چون دستمزد آنان کفاف حداقل زندگیشان را هم نمی کند. آنها به همین دلیل در سال تحصیلی قبل، چندین بار دست به اعتراض زدند، ولی صدایشان به جایی نرسید زیرا نیاز باندهای مافیایی حاکم بر کشور، برای انباشته کردن حسابهای بانکیشان بیش از اینهاست. بسیاری از دانش آموزان به دلیل ناتوانی مالی خانوادههایشان در پرداخت هزینه های سنگین شهریه، کتاب و... به جای مدرسه، روانه کارگاهها شده اند. عده ای دیگر به جرم نوشتن در وبلاگی یا اعتراض به فضای غیر انسانی اطرافشان و دلایل دیگری که حکام شرع از آن آگاهند، در زندانها بسر می برند.

با همه اینها، باز شور و شوق آموختن، نشانی از امید به آینده ای بهتر است. امید به آزادی و عدالت، امید به آسایش و آرامش و زندگی ای بهتر در فریاد و ولوله شورانگیز دانش آموزان و دانشجویان در سراسر کشور طنین انداز است. آغاز سال تحصیلی جدید بر همه فریادگران پهنه علم و دانش و فرهنگ، معلم و دانش آموز و دست اندرکاران زحمتکش مدارس کشور، مبارک باد.

## سحر که از کوه بلند جام طلا سر می زنه"

لیلا جدیدی

روزنامه جمهوری اسلامی، وابسته به ولی فقیه، از روزنامه هایی که خبر درگذشت خانم دلکش، هنرمندی که محبوب چندین نسل از مردم ایران بود را درج کرده بودند، خشمگین شده است. روزنامه مذکور، هدف این روزنامه ها را "القائات سیاسی" و "تغییر ذائقه فرهنگی مردم" دانسته و نسبت به "تمدادی از روزنامه نگاران توقیف شده که دولت برای آنها یک میلیارد ریال مقرری بیکاری اختصاص داده" معترض گشت.

روزنامه جمهوری اسلامی، خانم دلکش را که سالیان درازی با استادان موسیقی مانند مهدی خالدي، جواد لشگری، بزرگ لشگری، حبیب اله بدیعی و علی تجویدی همکاری نزدیک داشته، "خواننده زن رژیم طاغوت" خوانده و نسبت به اینکه برخی از روزنامه ها مرگ او را تاسف بار خوانده اند، شدیداً انتقاد کرده است.

بی شک برگزاری بی سرو صدای مراسم خاکسپاری این هنرمند نیز نمی تواند بی رابطه با دیدگاه جمهوری اسلامی به هنر و هنرمند که روزنامه جمهوری اسلامی بلندگوی آن است، باشد.

رژیم ولایت فقیه که اتفاقاً خود با توقیف و ممنوعیت آثار خوانندگان محبوب مردم تمام زور خودش را برای "تغییر ذائقه فرهنگی مردم" زده و از تنبیه و جرمه و ضرب و شتم فروشندگان و صاحبان موسیقی دلخواه مردم هرگز کوتاهی نکرده، هیچگاه هم از فرصتهای بدست آمده برای بهره برداری از هنرمندان، بویژه خوانندگان زن "دوران طاغوت" کوتاهی نکرده است. در این رابطه، آنها ترجیح می دهند که روشن دست کنسرت گذاربهایشان را در خارج کشور، یاد ببرند. آخوند های حلوا خور و روضه خوان، دامنه دو دوزه بازی را از کاسبی مالی در مورد هنر و هنرمند به کاسبی سیاسی هم کشانده اند.

امروز تنها مراسم تدفین خانم دلکش که با صدای رسا و پرقدردت زنانه اش برجسته گشت و توانست انگاره های اخلاق و سنتی دوران خود را زیر پا بگذارد نیست که رژیم را به هراس می آورد. صدای رسا و پرقدردت بسیاری دیگر از زنان با استعداد، متولد نگشته در گلو خفه گشته است.

با یاد دلکش، "سحر که از کوی بلند جام طلا سر می زنه"، دلشوره های حاکمان رژیم واپس مانده و قرون وسطایی نیز با آنان دفن خواهد شد.

۱۶ شهریور